

جنبش‌های اجتماعی

پیامدها و تأثیرات

- Why Social Movements Matter: The West German Peace Movement and U.S.Arms Control Policy
- Steve Breyman
- Albany: State University of New York Press
- 2001.Pp.xx+364

جان بلامی فاستر*

ترجمه علی علی‌آبادی

شوروی و آمریکا به پشت مرزهای شان تا سال ۲۰۰۰ حمایت کرد (ص ۲۶۶).
روایتی که بریمان نقل می‌کند، در واقع، روایت جذابی است. ایالات متحده و ناتو طرحی ارائه دادند که به موجب آن موشک‌های میان برد به اروپا انتقال می‌یافتند تا با موشک‌های میان برد شوروی مقابله کنند. اما سرعت موشک پرشینگ دو به ناتو این توانایی را می‌داد که پیش از واکنش شوروی و امارش، به رهبری شوروی خاتمه دهد. این در حالی بود که موشک‌های کروزر آن قدر کوچک بودند که می‌شد آنها را در داخل یک ساختمان یا در زیر تلی از علف مخفی ساخت. از این رو، شوروی استقرار احتمالی چنین موشک‌هایی را به منزله گسترش قابل ملاحظه تسلیحات تلقی کرد. ریگان و حکومت او به طور مکرر اعلام می‌کردند که جنگ هسته‌ای می‌تواند یک برنده داشته باشد و کاربرد موشک‌های اروپایی چیزی غیرقابل تصور نیست. بدین ترتیب، جو رعب و وحشت در غرب (و نیز شرق) حاکم شد و جنبش ضد هسته‌ای به مثابه یک عامل فشار مهم بر حکومت ریگان سربرآورد. دو سخنرانی بسیار معروف ریگان - سخنرانی‌های «امپراتوری شیطانی» و «جنگ ستارگان» - هر دو واکنشی بود به جنبش یخبندان هسته‌ای. تغییر موضع حزب سوسیال دموکرات در آلمان غربی از حمایت از برتری در جنگ سرد به

در اوایل دهه ۱۹۸۰ جنبش ضد تسلیحات هسته‌ای در آمریکا و اروپا شکل گرفت. این جنبش میلیونها نفر اعتراض کننده را دربرمی‌گرفت که به ناگاه ظاهر شده بودند تا ظاهرأ حق انحصاری قدرت را مورد تهدید قرار دهند. در اروپا، جنبش یاد شده به صورت اعتراضات جمعی علیه استقرار موشک‌های اروپایی - موشک‌های میان برد هسته‌ای مستقر در اروپا - متجلی شد. در ایالات متحده آمریکا، جنبش یخبندان هسته‌ای شکل گرفت که هدفش متوقف کردن مسابقه گسترش تسلیحات هسته‌ای آمریکا و شوروی بود. اغلب ادعا می‌شود که تلاش‌های هر دو جناح این جنبش ضد هسته‌ای در آمریکا و اروپا بی‌ثمر بوده است. جنبش ضد موشکی اروپا نتوانست مانع استقرار «موشک‌های کروزر» و «پرشینگ دو» در این قاره شود. همچنین جنبش یخبندان هسته‌ای در ایالات متحده نتوانست حکومت ریگان را از پیگیری مهم‌ترین هدف سیاسی‌اش، یعنی مسابقه گسترش تسلیحات هسته‌ای با «امپراتوری شیطانی» [اتحاد جماهیر شوروی سابق] باز دارد. طرفداران پیروزی آمریکا اغلب ادعا می‌کنند که سیاست مذاکره از موضع قدرت ریگان منجر به سازش شگفت‌انگیز میخائیل گورباچف و پایان جنگ سرد شد. بر طبق این تفسیر غالبه تمام تلاش‌های معترضان ضد هسته‌ای در غرب بی‌تأثیر بود و جنبش ضد فعالیت‌های هسته‌ای کار مهمی انجام نداد.

بریمان ادعا می‌کند که جنبش ضد هسته‌ای، به رغم شکست در

تحقق اهداف فوری‌اش، تأثیرات بسیار زیادی بر جا گذاشت

«استیور بریمان» در کتاب چرا جنبشها مهم‌اند، برداشت بسیار متفاوتی از تفسیر فوق ارائه می‌کند. او جنبش صلح آلمان غربی را کانون توجه خود قرار می‌دهد و همچنین تحولات بریتانیا و ایالات

متحده آمریکا را مورد بررسی قرار می‌دهد. بریمان ادعا می‌کند که جنبش ضد هسته‌ای، به رغم شکست در تحقق اهداف فوری‌اش، تأثیرات بسیار زیادی بر جا گذاشت. جنبش صلح آلمان غربی عاقبت حمایت حزب سوسیال دموکرات یعنی بزرگ‌ترین حزب سیاسی کشور را به دست آورد. و چارچوار در هر دو سوی اقیانوس اطلس رشد کرد و حکومت ریگان را مجبور ساخت که در مورد تسلیحات هسته‌ای میان برد وارد مذاکره شود. فشارهای این جنبش (در سال ۱۹۸۳ هفتاد درصد از جمعیت آلمان غربی مخالف استقرار موشک‌های اروپایی بودند و بیش از هشتاد درصد از جمعیت ایالات متحده آمریکا از جنبش یخبندان هسته‌ای حمایت کردند) به اجماع کشورها در مورد جنگ سرد لطمه زد و جنبش ضد تسلیحات هسته‌ای به گورباچف کمک کرد تا خود را از مسابقه گسترش تسلیحات هسته‌ای کنار بکشد و کاهش یک جانبه تسلیحات هسته‌ای را آغاز کند. که این امر سبب از هم پاشیدن نظام جنگ سرد شد. علی‌رغم این که اقدامات گورباچف چند سال بعد از اوج فعالیت‌های جنبش ضد هسته‌ای صورت گرفت، می‌توان اقدامات وی را بازتاب تأثیرات گسترده‌تر جنبش تلقی کرد. بریمان نقل می‌کند که «ای.پی. تامپسون»، مورخ بزرگ انگلیسی و سخنگوی خلع سلاح هسته‌ای اروپا، در سال ۱۹۹۰ می‌گفت که «پس از ۱۹۸۵، در کمال تعجب شاهد بودیم که دولتمردان مسکو حرف‌های مان را به خودمان بازمی‌گرداندند. این گورباچف بود که خطوط فکری ما را پذیرفت و با طرح شعار «از اطلس تا اورال» خواستار نجات اروپا از شر تسلیحات هسته‌ای شد. او برای

فرمایشی بلوک‌های شرق و غرب برنامه‌های عملی پیشنهاد کرد و از عقب نشینی سربازان

تأثیر جنبشها همواره پیچیده، چندوجهی و فرهنگی است. بریمان برای ارزیابی تأثیر جنبشها، یک چارچوب هشت متغیری ارائه می‌دهد. همه جامعه‌شناسان علاقه‌مند به جنبشهای اجتماعی از مطالعه الگوی او مبنی بر اینکه چرا جنبشها مهم‌اند - حتی وقتی که به نظر می‌رسد شکست خورده‌اند - بهره‌مند خواهند شد.

پی نوشت:

* John Bellamy Foster, University of Oregon